

## شهيد محمد رجبى



ازتبايرى  
سامانه جامع سرداران و هزار شهيد استان بوشهر

|             |                  |
|-------------|------------------|
| نام پدر     | عبدالله          |
| تاریخ تولد  | ۱۳۳۵/۰۴/۰۶       |
| محل تولد    | بوشهر - دشتی     |
| تاریخ شهادت | ۱۳۶۰/۰۴/۲۵       |
| محل شهادت   | اهواز            |
| مسئولیت     | رزمنده           |
| نوع عضویت   | سرباز زمینی ارتش |
| شغل         | —                |
| تحصیلات     | پنجم ابتدایی     |
| مدفن        | شنبه             |

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

شهید محمد رجبی در سال ۱۳۳۵ در خانواده‌ای مسلمان و متدین در روستای شنبه از توابع شهرستان دشتی دیده به جهان گشود. محیط خانه و اجتماع بی‌آلایش روستا، وی را از همان کودکی، با اسلام و قرآن آشنا و علاقمندی و دل بسته به خاندان عصمت و طهارت کرد. همین عشق و علاقه ایشان، را از همان کودکی روانه مکتب خانه نمود تا قرآن کریم را یاد بگیرد و دروس مذهبی و کتابهایی از اشعار بزرگان، که آموختن آنها در مکتب خانه‌ها رایج و مرسوم بود، را به جهت تقویت بنیه‌ی قرائت و بلاغت بیاموزد. ایشان پس از اتمام این دوره که با موفقیت قابل توجهی هم همراه بود به جهت مشاهده‌ی مشکلات و کمبودهای آن زمان که گریبانگیر اکثر خانواده‌های روستایی بود و همچنین مبارزه و مقابله با فقر، آستین همت را به جهت یارای پدر خانواده بالا می‌زند.

از ویژگیهای بارز اخلاقی ایشان این بود که بین دوستان و اهل محل به عنوان فردی مذهبی و خوش اخلاق شناخته می‌شد. و دیگر اینکه از خصایص بارز وی که زبانزد تمام آشنایان و دوستان هم هست، بذل و بخشش و صله‌ی رحم و توجه به افراد ضعیف

و بی‌بضاعت بود.

شهید بزرگوار در تاریخ ۱۶/۶/۵۴ به خدمت سربازی اعزام شد و در گروه ۴۴ توپخانه اصفهان مشغول به خدمت گردید. در تاریخ ۱۶/۶/۵۶ خدمت دوساله‌ی سربازی را در دوره‌ی ستم‌شاهی پهلوی و اوج فضای باز سیاسی در ایران که از اهداف کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا بود، سرانجام به پایان رسانید. وی بنا به گفته‌ی دوستانش در این دوره‌ی دوساله به نحوی بیزاری و تنفر خود را از وضعیت اسامان موجود آن زمان آشکار می‌نمود.

برای نمونه در این مدت کتابهای انقلابی و مذهبی و سیاسی بسیاری را مطالعه می‌نمود، و حتی هرگاه از اصفهان برای مرخصی به روستا بازمی‌گشتند، بسیاری از این کتابها را برای دوستان و آشنایان نزدیک به ارمغان می‌آوردند. ایشان در سال ۱۳۵۸ وارد کارخانه اعتمادیه (نساجی) بوشهر شدند و در آنجا به عنوان عضوی فعال در زمینه‌ی کار و همچنین با انجمن اسلامی کارخانه همکاری فعال و توأم با بصیرت داشتند.

شهید رجبی هنگامیکه در آذرماه سال ۱۳۵۹ هنوز ۲ ماهی بیش از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران عزیز نمی‌گذشت. با خبر احضار سربازان منفصل خدمت ۵۶ اعلام گردید، بهترین فرصت ممکن برای یاری رساندن به اسلام و میهن دید بلافاصله خود را معرفی و پس از اعزام به پادگان آموزشی مراغه از آنجا به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل در جنوب کشور، در رسته‌ی قبلی خود یعنی توپخانه عازم شد. وی مدت شش ماه که مأموریت ایشان نیز همین بود، با بعثیون سفاک مبارزه کرد و با اینکه بیش از یک هفته از پایان مأموریتش می‌گذشت، علاقه‌ای به برگشت از جبهه را نداشت و می‌گفت: که من نتیجه‌ی مأموریت را تا نگیرم، نمی‌روم. تا اینکه بادهان روزه در سحرگاه یکی از روزهای ماه مبارک رمضان، مصادف با ۲۵/۴/۶۰ در جبهه‌ی آبادان همچون مولایش (ع) شربت شهادت را نوشید.

بازتاب مردم روستا و شهرستان هنگام تشییع جنازه شهید رجبی

درست یادم می‌آید که شب بعد از شهادت شهید محمد رجبی بود که خبر شهادت ایشان را به منزل شهید دادند.

چون مصادف با ماه مبارک رمضان و اوایل جنگ تحمیلی بود و موضوع دیگر اینکه شهید رجبی اولین شهید روستا بودند، مردم از اکثر نقاط شهرستان دشتی و حتی بعضی نقاط دیگر استان هم برای ابراز همدردی با خانواده‌ی شهید به روستا آمده بودند. بطوریکه امکانات در آن زمان جواب‌گوی پذیرایی مردم نبود، و مداحان و نوحه‌سرایان و شاعران و نویسندگان هر کدام به نوعی ابراز احساسات می‌کردند. این اجتماع پرشکوه مردم در گرمای تیرماه و با وجود اینکه روز هیجدهم ماه مبارک رمضان نیز بود، تبلور این مطلب بود که: با ریختن هر قطره از خون شهید بر زمین هزاران انسان آزاده برای خونخواهی و سربلندی اسلام عزیز برمی‌خیزند بود. لذا این موضوع بعد از تشییع جنازه شهید باعث شد عده‌ای از دهستان به عنوان اولین اعزام از همین روستا به جبهه‌های نبرد بود.

### بر خورد شهید با اعضای خانواده خصوصاً پدر و مادر

از ابتدای دوران نوجوانی که دید پدرش غرق در تلاش و زحمت است مدرسه را رها نمود و در کنار پدر به کار کشاورزی مشغول شد. رفتارش با تمامی اعضای خانواده خوب بود تا جایی که خانواده حتی لحظه‌ای دوری ایشان را تحمل نمی‌کرد. با اخلاق خوبی که داشت الگویی به تمام معنا برای همه اعضا خانواده بود.

### انجام کارهای شخصی

کارهای مربوط به خودش را خود انجام می‌داد. حتی در آب خوردن بیاد ندارم به من که کوچکتر از همه بودم گفته باشد که حتی یک لیوان آب برای او بیاورم.

### ویژگیهای خاص شهید

با توجه به فرمایش رسول اکرم(ص) که فرمودند:

(( رحم کنید تا به شما رحم شود و ببخشید تا بخشیده شوید. ))

از صفات ارزنده و بارز شهید بخشش و گذشت ایشان را می‌توان برشمرد که موجب عزت ایشان گردید و خداوند نیز او را عزیز گردانید.

## وصیت نامه

فرازهای چند از وصایای شهید

— مادر جان ! به خدا جبهه جای خوش و شیرینی است و انسان را عاشق و زنده بارمی آورد. انسان در این جاست که معنی عشق به خدا رامی فهمد و ...

— از روزی که قدم در این مکان شریف گذاشتم ، احساس شیرینی مرا دربر گرفته که حاضر نیستم آن را با تمام خوشیهای دنیا عوض کنم .

— نظر به اینکه شهادت سعادت است که نصیب هرکسی نمی شود ولی اگر خداوند مرا نیز لایق دانست به این مقام نائل شوم ، آن را با آغوشی باز پذیرا می باشم .

— من در جبهه باقی خواهم ماند و مأموریتیم را به پایان می رسانم و آن زمانی است که نتیجه ی واقعی را گرفته باشم .

## مصاحبه

مصاحبه و گفتگو با مادر شهید رجبی حاجیه دختر منفرد مقدم

— شما که به عنوان یک مادر شهید هستید چه احساسی دارید ؟

من خدا را شکر می‌کنم که چنین فرزند برومند و مذهبی را توانستم پرورش دهم و به اسلام و انقلاب تقدیم نمایم .

در محضر مادر شهید

— شهید رجبی از نظر اخلاقی

از نظر اخلاق و رفتار واقعاً نمونه بود . و من واقعاً و از ته قلب احساس خوشبختی می‌کنم که توانستم فرزندی تربیت کنم که در ایام زندگیش همیشه مهربان و خوشرفتار باشد .

توصیه شما به عنوان مادر شهید برای تمامی مادران ایران اسلامی چیست ؟

توصیه دارم که تمام سعی خود را در راه تربیت فرزندان مؤمن و خدادوست و آشنا به مسائل اسلامی و مذهبی صرف نمایند . فرزندان خود را به تعلیم قرآن ترغیب نمایند . و با خود به مساجد و جلسات مذهبی بپردازند و الفت مذهبی بودن در آنها از همان کودکی ریشه دواند .

گفتگویی چند با برادر شهید رجبی « نامدار رجبی »

شما که به عنوان برادر تحصیلکرده شهید هستید ، ویژگیهای اخلاقی و رفتاری شهید را برایمان بیان نمائید .

از ویژگیهای بارز اخلاقی شهید ، صدق و راستی ایشان در عمل بود نه اینکه در ظاهر ، مدعی اعتقاد و اخلاق نیک بود ، بلکه در ظاهر و نهان ایشان دارای عملی که حاکی از ایمان ، تدین ، تقوی و صداقت او بوده است و با توجه به مصداق فرمایش

رسول اکرم(ص) :

« اللَّهُمَّ اجْعَلْ سِرِّی خیراً مِنْ عِلَانِیَیْ صَالِحَه » بودند . وحدت ، صمیمیت ، اعتماد ، خوشبینی ، یکرنگی در جامعه و راستی و صداقت در گفتار بود که موجب شد ایشان به این مقام شامخ نائل آید .

## خاطرات

« نقل از برادر شهید ، نامدار رجبی »

گفتاری چند از زبان پدر شهید بعد از شهادت

یادم می آید که بار آخر که ایشان از جبهه به مرخصی بازگشتند من مدام ایشان را نصیحت می کردم که بیشتر به فکر خودش باشد تا مابقی دوره رزمندگیش را که مدت یکماه بود ، را به سلامتی سپری نماید .

درست یادم می آید یکبار در پاسخ من با لحنی آرام و متین گفتند : پدر جان مگر شما خمس و زکات مالتان را نمی دهید! ؟ گفتم : بلی سعی می کنم.

چرا این سؤال را می پرسی! ؟ گفت هنوز خمس مال فرزندان را نیز نپرداخته ای .

من از صحبت او چنین برداشت کردم که ایشان می خواهند بگویند ، این بار آخری است که من به مرخصی می آیم و دوست دارم که شهید شوم . و شما نیز از شهادت من غمگین مباش و بخاطر رضای خداوند باید صبر کنی.

خاطره ای از نظم و اخلاق شهید

یادم می آید وقتی که در کلاس پنجم ابتدایی در سال ۱۳۵۸ مشغول به تحصیل بودم مبلغ ۵۰۰۰ تومان را به من دادند که این مبلغ در آن زمان مبلغ زیادی بود . به من گفتند این پول را بگیر و برای خودت استفاده کن ، ولی بعد از اتمام و خرج کردن آن برایم بنویس که چه چیزهایی خریده ای و در چه راهی خرج کرده ای ؟ بعداً پی بردم که با این کار خود می خواسته مرا فردی بانظم و بابرنامه بار بیاورد ، همانطور که خودش اینطور بود.

حالا که به عنوان عضوی از خانواده شهید هستم چه احساسی دارید و چه پیامی؟

خاطره ای از نظم و اخلاق شهید

پیامم با توجه به گفتاری از تولستوی که : « همه می خواهند بشریت را عوض کنند دروغا که هیچکس در این اندیشه نیست که «خود» را عوض کند . » به فکر اصلاح خویش باشیم و از آرمانهای شهدا فاصله نگیریم . از اینکه یکی از

اعضای خانواده آنهم برادر عزیزم را در راه خدا و برای سربلندی نظام مقدس جمهوری اسلامی داده‌ام خوشحالم و افتخار می‌کنم به گفته شهید بهشتی (ره) که فرمودند: ما شهدا را از دست نداده‌ایم بلکه بدست آورده‌ایم.

رابطه شهید با مسجد و شرکت در مراسمات

مسجد رفتن را هیچگاه فراموش نمی‌کرد. شبهای جمعه دعای کمیل حتی در منزل در جمع اعضای خانواده برگزار می‌نمود. صبحها نیز قرآن خواندن را فراموش نمی‌کرد.



سازمان جامع سرداران و دختران شهید استان بوشهر